

دکتر فخری زاده دانشمند هسته ای نبود؟؟



احمد بخشایش اردستانی

از بعد از ظهر دیروز جمعه با خبر ترور دکتر محسن فخری زاده، معاون وزیر دفاع و رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع در منطقه آپسرد از توابع شهرستان دماوند، کشور در یک شک روانی از این ترور قرار گرفته است. با وجود آن که کارشناسان و رسانه ها از ابعاد مختلف اقدام تروریستی آپسرد را مورد ارزیابی قرار دادند و هر کدام از مسئولین داخلی موضوعی را در محکومیت این ترور بیان داشته اند، اما نکات بسیار مهمی وجود دارد که باید مد نظر قرار داد. من در این نوشتار برآنم که سه نکته اساسی و مغفول مانده را به اجمال ذکر کنم: با اتفاق دردناکی که دیروز جمعه در پی ترور دکتر محسن فخری زاده در آپسرد دماوند روی داد، نه تنها امنیت جمهوری اسلامی ایران، بلکه امنیت روانی مردم، آن هم در شرایط کنونی که با مشکلات عدیده اقتصادی و معیشتی دست و پنجه نرم می کنند، به بازی گرفته شد. این مسئله نشان از این دارد که تا چه اندازه خلا ها و باگ های (Bug) امنیتی، چه از سوی وزارت اطلاعات و چه دیگر نهادها امنیتی مربوطه در وقوع این ترور موثر بوده است و این دستگاه ها در انجام وظایف محوله تا چه اندازه قصور و کوتاهی داشته اند که باعث شده است صهیونیست ها به سادگی در قلب ایران نخبه های هسته ای و نظامی کشور را ترور کنند. این نکته گویای آن است که با تداوم این خلا ها و باگ های امنیتی...

ادامه در صفحه ۲

کند و کاو «اقتصادسرآمد» از شرح وظایف کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی

کمیسیون اصل ۹۰ نیازمند باز طراحی

کند و کاو «اقتصادسرآمد» از جزئیات فساد احتمالی در بورس

راز سر به مهر بازار سرمایه

«عضو کمیسیون اقتصادی مجلس درباره جزئیات سلب صلاحیت ۲۱ مدیر بورسی می گوید: علی رغم پیگیری های زیاد نتوانسته ایم منشا و عاملان فساد در بازار سرمایه را پیدا کنیم. قوه قضاییه وارد موضوع شده اما از ارایه مستندات به قوه قضاییه هم خودداری می کنند.»

گزارش «اقتصادسرآمد» از شرایط تولید انرژی بادی در ایران و جهان

بادبر وفق مراد تولید

اما و اگرهای بازار مرغ در گزارش «اقتصادسرآمد»

گرانی تاپای مرغ!

گزارش «اقتصادسرآمد» از ترور ناجوانمردانه شهید محسن فخری زاده دانشمند هسته ای



جمعه خونین

گروه سیاسی - شامگاه جمعه بود که به ناگاه خبری در شبکه های مجازی و کانال های تلگرامی دست به دست شد؛ خبری تلخ که همه آرزو داشتند که شایعه ای بیش نباشد، اما واقعیت داشت. خبر ترور یکی از دانشمندان صنایع موشکی و هسته ای کشورمان. این رسانه ها خبر ترور محسن فخری زاده معاون وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و یکی از دانشمندان حوزه موشکی کشورمان را مخابره کردند. محسن فخری زاده دانشمند موشکی کشورمان جزو ۵۰۰ شخص قدرتمند جهان بود.

اما و اگرهای شرایط بازگشت پروازهای خارجی به آسمان کشور در گزارش «اقتصادسرآمد»

آسمان ایران پذیرای خارجی ها

فعالیت بندر چابهار در کلاس جهانی با همکاری شرکت های بزرگ

«حسین شهدادی

هدف ترور دانشمندان ایجاد رعب در جامعه علمی کشور است

مردم از سوی دشمن است تا ایران به خواسته آنها تن در دهد. دشمن می خواست به وسیله ترور سبب شود که دانشمندان در موضوعات هسته ای همکاری نکنند و متخصصان کشور وارد تحقیقات استراتژیک نشوند. این ترور ها و حذف فیزیکی دانشمندان علاوه بر دلایلی که گفته شد با هدف آماده سازی کشور برای مذاکره بود. هرچند من و شهید فخری زاده از حوادث تروریستی سال ۸۹ زنده ماندیم و همکاری مشترک ما در صنعت هسته ای کشور و در بخش های لیزر، صوتیات، هسته ای و بخش های دیگر ادامه یافت و خوشبختانه کارهای ناتمام شهید علی محمدی و شهید شهریار را در زمان کوتاهی به ثمر رساندیم.

نیروهای امنیتی کشور توانایی حفاظت و حراست لازم را دارند ولی پشتیبانی از دانشمندان هسته ای باید تقویت شود. البته مشکلات مالی و حوادث طبیعی که مانند سیل و زلزله سبب می شود بودجه ای برای حفاظت از دانشمندان هسته ای کشور اختصاص داده نشود و بهتر است در ردیف بودجه ۱۴۰۰ اقدامات لازم در این زمینه دیده شود.

وقتی دشمن علیه جمهوری اسلامی برنامه دارد، اگر ما اقدامات بازدارنده انجام ندهیم، آنها علیه ما اقدام خواهند کرد. بنابراین نباید زندگی را بر متخصصان کشور سخت کرد. در این شرایط بهتر این کار حمایت از اقدامات شهید فخری زاده است و مجلس باید بودجه خاص برای سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع اختصاص دهد تا این تشکیلات و کارهایی که فخری زاده به خاطر آنها شهید شد، بتر ناماند.

علاوه بر پشتیبانی علمی و مالی، باید ماموریت ها بیشتری به این تشکیلات داده شود و مسوولان مربوطه نیز این کار را ادامه دهند. البته لازمه این کار این است که رییس محترم سازمان برنامه و بودجه، در این زمینه کارگشا عمل کرده و بودجه را به تناسب و به موقع برای تجهیز بیشتر این مرکز پژوهشی و حفاظت از نخبگان کشور در نظر بگیرد. زیرا کار و پیشرفت علمی کشور همچنان ادامه خواهد داشت و دشمن نیز دست به ترور خواهد زد.

شهید فخری زاده به هیچ جناح و حزبی تعلق نداشت و سرباز نظام و پیرو رهبری بود و اگر همه سرباز جمهوری اسلامی به دور از وابستگی به دولت ها و حزب ها باشند، می توانند خواسته های نظام و منویات رهبر معظم انقلاب را به ثمر برسانند.

شهید فخری زاده به رغم مطیع فرمان رهبری و ولایت مدار بودن، تک بعدی نبود و در کنار تسلط به دانش و پژوهش هسته ای، مدرس فلسفه علم و صاحب نظر در این زمینه بودند.

در موضوع فلسفه علم مباحثی با شهید علی محمدی داشتند و صبح روزی که مسعود علی محمدی شهید شدند، قرار بود جلسه ای با شهید فخری زاده با موضوع فلسفه علم برگزار شود. علاوه بر این حتی شهید فخری زاده حافظ شناس و مسلط به اشعار حافظ بودند و علاوه بر بعد علمی، بعد عرفانی شخصیت این شهید هم برجسته بود.* رییس سابق سازمان انرژی اتمی

فریدون عباسی



دشمن می خواست به وسیله این ترور ها سبب شود که دانشمندان در موضوعات هسته ای همکاری نکنند و متخصصان کشور وارد تحقیقات استراتژیک نشوند. شهید فخری زاده از دانشمندان هسته ای کشور بود و از آنجا که علوم هسته ای یک رشته چند منظوره است افرادی که در این رشته وارد می شوند در جاهای مختلف می توانند فعالیت کنند. او در زمینه لیزر، الکترونیک و مسائل رادار مدیریت بخش علمی را بر عهده داشت و معاون وزیر دفاع و بیشتر از ۲۰ سال رییس سازمان پژوهش و نوآوری بود که با اداره خوب این نهاد سبب قوام و استمرار کار شد.

شهید فخری زاده به دلیل توانمندی هایی که در حوزه زیست فناوری، بخش پژوهش و نوآوری وزارت دفاع داشت در پی تولید واکسن کرونا بود. او تولید کیت های تشخیص کرونا و تولید واکسن را آغاز کرده بود و تا حد خوبی این موضوع را پیش برد. ترور این شهید به دلیل سابقه ای بود که در مسائل هسته ای داشت. زیرا او مدارج کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری خود را در موضوع هسته ای دنبال کردند و در مقطع دکتری نیز من استاد راهنمای او بودم و نزدیک به ۳۳ سال در کنار یکدیگر کار کردیم.

در قطعنامه ۱۷۴۷ اسام این شهید، من و بعضی دیگر به عنوان افرادی که در زمینه هسته ای فعال هستند، به میان آمد و به طور آشکار سازمانهای جاسوسی در سال ۸۸ تیمی برای ترور فخری زاده فرستاده بودند. یعنی قرار بود ۳ نفر ترور شوند که یک نفر آنها شهید فخری زاده بود. اما آن ترور ناموفق شد و او تحت حفظ بودند و در جامعه هم حاضر می شدند.

دشمن سال ها برای ترور شهید فخری زاده برنامه ریزی کرده بود. وقتی در این کار موفق نشد، سراغ شهید علی محمدی، من و شهید شهریار آمد تا در چنین روزی - هشتم آذرماه ۱۰ سال پیش - ترور مجید شهریار انجام شود و بعد از آن ترور داریوش رضایی نژاد انجام شد که از همکاران شهید فخری زاده بود که در زمینه الکترونیک قدرت کار می کرد.

بنابراین این خط ترور سال ها ادامه داشته تا اینکه دشمن پس از سال ها تلاش سرانجام روز گذشته - جمعه هفتم آذرماه - توانست این هدف را عملیات بکند. ولی فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی ایران ادامه خواهد یافت و چیزی خاموش نمی شود.

ترور شهید فخری زاده قرار بود از سال ها قبل از سوی دشمن انجام شود و از آنجا که حضور و تردد این شهید در منطقه آپسرد دماوند در برخی ایام تعطیل محرز شده بود، دشمن این موضوع را شناسایی کرده و با اقدامات مختلف مانند انفجار و تیراندازی در چند محور حتی محافظان او را در گیر و متاسفانه این شهید را ترور کرد.

هدف صهیونیست ها حذف دانشمندان هسته ای کشور از ساختار جمهوری اسلامی است و چنین اتفاقاتی مقدمه ای بر فشار روانی بر

سفر منطقه ای پمپئو و پیام هایی برای ایران



سید علی موسوی خلخالی

بسیاری احتمال می دهند که جو بایدن به دلیل کپولت سن دو سال بیشتر در قدرت نباشد و بعد از آن جای خود را به کاملاهریس، معاون خود بدهد. در این صورت احتمالا تشست در حزب دموکرات تشدید خواهد شد و این مساله می تواند برای این حزب در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ هزینه ساز شود. مایک پمپئو که گفته می شود داعیه ریاست جمهوری امریکا را برای سال ۲۰۲۴ دارد، به نمایندگی از نوجمهوریخواهان می خواهد این پیام را بدهد که دولت بایدن موقتی است و آنها از همین الان خود را آماده ریاست جمهوری آن تاریخ می کنند و در طول این مدت می توانند پتانسیلی پررور برای اعمال فشار به دولت پیش روی امریکا و جامعه جهانی باشند.

امارات و عربستان سعودی با ائتلاف با اسرائیل و پشتیبانی ایالات متحده به سمتی می روند که در برابر ایران و ترکیه شمشیر را از رو بپندند. اگر چه این دو کشور عربی در اتاق های شیشه ای نشسته اند اما گمان می کنند با پشتیبانی امریکا و اسرائیل می توانند به دشمنی با ایران ادامه دهند و همچنان در مسیر چهار سالی که گذشت سیر کنند. البته که در حداقل چهار سال گذشته آنها از هیچ گونه خصومت و دشمنی با ایران دریغ نکردند.

سفرهای اخیر مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا به منطقه که حدود دو هفته بعد از مسجل شدن شکست دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده در انتخابات ریاست جمهوری این کشور انجام شده است، پیام های نهفته ای را در خود دارد. پیام هایی که به نظر می رسد هم مخاطب داخلی دارد، هم خطاب به جامعه جهانی است و هم صد البته، همه آنها خطاب به ایران است. وی در اسرائیل، امارات متحده عربی و عربستان سعودی دیدارهای مهمی را انجام داد در حالی که منابع خبری گزارش دادند در عربستان برای نخستین بار بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل را با خود برد.

پمپئو در حالی به سمت خاورمیانه پرواز کرد که هم زمان، جنگنده های بی - ۵۲ ایالات متحده که گفته می شود قابلیت حمل بمب های هسته ای را دارند به منطقه ارسال شده اند.

هم زمان امارات متحده عربی اعلام کرد صدور ویزا برای اتباع ۱۳ کشور جهان از جمله ایران و ترکیه و عراق و لبنان و سوریه را متوقف می کند. تصمیمی که تا به این لحظه مقامات اماراتی از هر گونه اظهار نظری درباره دلایل آن خودداری کرده اند.

از برآیند این دیدارها می توان در وهله اول این گونه برداشت کرد که امارات و عربستان سعودی با ائتلاف با اسرائیل و پشتیبانی ایالات متحده به سمتی می روند که در برابر ایران و ترکیه شمشیر را از رو بپندند. اگر چه این دو کشور عربی در اتاق های شیشه ای نشسته اند اما گمان می کنند با پشتیبانی امریکا و اسرائیل می توانند به دشمنی با ایران ادامه دهند و همچنان در مسیر چهار سالی که گذشت سیر کنند. البته که در حداقل چهار سال گذشته آنها از هیچ گونه خصومت

و دشمنی با ایران دریغ نکردند. فارغ از هر گونه گمانه زنی که درباره احتمال حمله نظامی دولت ترامپ به ایران در روزهای باقی مانده از حضورش در کاخ سفید زده می شود، می توان جملگی این اتفاقات را حامل پیام های مهمی دانست.

نخستین پیام این دیدارها، اتحاد میان طرف های متخاصم ایران است که همچنان بر لزوم کنار گذاشتن دیپلماسی در قبال ایران اصرار دارند و هر گونه تعامل دیپلماتیک جامعه جهانی با ایران را رد می کنند. شاید بتوان گفت به شکل بی سابقه ای ائتلاف بین المللی جنگ طلبان تشکیل شده که فراتر از ایالات متحده و در سطح بین المللی است، ائتلافی که از حمایت گروه های دست راستی در امریکا به رهبری نوجمهوریخواهان، گروه های دست راستی اسرائیل به رهبری حزب لیکود به رهبری بنیامین نتانیاهو پر خوردار است و کشورهای عربی ای را شامل می شود که نه به فکر حل مسالمت آمیز بحران ها بلکه به شیوه حل نظامی هر گونه بحرانی معتقدند. کشورهایی که در لیبی و یمن و سوریه هیچ تلاشی برای خاموش کردن بحران ها نکردند بلکه بر عکس بر لهیب سوزان تنش های نظامی دمیدند.

دومین پیام را می توان خطاب به جامعه جهانی دانست مبنی بر این که صدای آنها بلند است و با روی کار آمدن دولت معتقد به چند جانبه گرایی بایدن، همچنان قدرتی خواهند بود که توان فشار را دارند و می توانند ثقلی در معادلات بین المللی باشند. سومین پیام خطاب به خود دولت جدید امریکاست، که هستیم و می توانیم همچنان سنبه ای پررور برای پیشبرد اهداف خود باشیم. این ائتلاف در طول چهار سال آینده احتمالا به گروه فشاری تبدیل خواهند شد که توانایی فشار به هر گونه دیپلماسی چندجانبه گرایانه را خواهند داشت.

در این میان نکته ای را نمی توان نادیده گرفت؛ بسیاری احتمال می دهند که جو بایدن به دلیل کپولت سن دو سال بیشتر در قدرت نباشد و بعد از آن جای خود را به کاملاهریس، معاون خود بدهد. در این صورت احتمالا تشست در حزب دموکرات تشدید خواهد شد و این مساله می تواند برای این حزب در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ هزینه ساز شود. مایک پمپئو که گفته می شود داعیه ریاست جمهوری امریکا را برای سال ۲۰۲۴ دارد، به نمایندگی از نوجمهوریخواهان می خواهد این پیام را بدهد که دولت بایدن موقتی است و آنها از همین الان خود را آماده ریاست جمهوری آن تاریخ می کنند و در طول این مدت می توانند پتانسیلی پررور برای اعمال فشار به دولت پیش روی امریکا و جامعه جهانی باشند.

شاید بتوان ادعا کرد آینده دیپلماسی به نوع تعامل ایران با جامعه جهانی به ویژه ایالات متحده باز می گردد که از فرصت یا وقفه پیش آمده در عرصه سیاسی افراطی ایالات متحده نهایت استفاده را ببرد تا ضمن تضعیف این جریان اراده خود را بر مخالفان خود تحمیل کند یا اینکه این بار نیز فرصت از دست برود و شاهد قدرت گرفتن جریان های افراطی ضد ایرانی هم در سطح منطقه ای و هم در داخل امریکا و هم در سطح جهانی باشیم.* روزنامه نگار و مترجم